

«هرکس می خواهد جمع کند و از ایران برود» را اولین بار، پهلوی دوم گفت!

۲۶ اسفند ۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۱۲

شاه در دهه ۱۳۳۰ بر بیشتر بخش‌های جامعه به‌ویژه طبقه روشنفکر و کارگر شهری کاملاً مسلط بود. استانداران با استفاده از ژاندارمری و شهربانی به شدت بر انتخابات نظارت می‌کردند و به‌این ترتیب عنان اختیار هر دو مجلس شورای ملی و سنا در دست شاه بود.

پس از [کودتای ۲۸ مرداد](#) که همه می‌دانستند زور سرنیزه ارتش و سیاست‌بازی انگلیسی‌ها بر خواست مردم غلبه کرده، پهلوی دوم دید این‌طوری خیلی ضایع است و خیلی شبیه یک دیکتاتور نظامی و دست‌نشانده است که زوری حکومت می‌کند و برای این‌که شکل ماجرا کمی تلطیف شود، نشست و فکر کرد و با چند تا از رفقاییش هم مشورت کرد و به این نتیجه رسید که ایران هم باید مثل آمریکا نظام دو حزبی داشته باشد! خیلی شیک و مجلسی در سال ۱۳۳۶ شمسی دستور داد رفیقش [«اسدالله علم»](#) برود حزب مردم را تشکیل بدهد و نخست‌وزیر وقت [«منوچهر اقبال»](#) حزب ملیون را. شاید امروزه این کار خیلی زمخت به نظر برسد، ولی واقعیتی است که رخ داده و چه می‌توان گفت؟ همین قدر که الان این کار زمخت و سفارشی به نظر می‌رسد آن موقع هم همین‌طور به نظر می‌رسید و مردم و مخالفان سیاسی اصلاً طرف این احزاب هم نرفتند.

در چنین شرایطی معلوم است چه می‌شود دیگر! البته اتفاق خیلی خاصی نیفتاد؛ جز این‌که در انتخابات مجلس شورای ملی در سال ۱۳۳۹ این دو حزب سفارشی که قرار بود با هم رقیب باشند با هم تباری و تقلب کردند و دعوا بالا گرفت و رسوایی بار آمد و انتخابات باطل شد و نخست‌وزیر کناره‌گیری کرد و در نتیجه حزب ملیون هم که نخست‌وزیر تأسیس کرده بود، منحل شد.

بله قربان، چشم قربان!

وضعیت نظام دو حزبی در ایران چه بود؟ [«پرواند آبراهامیان»](#) تاریخ‌نگار معاصر در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می‌نویسد: «شاه در دهه ۱۳۳۰ بر بیشتر بخش‌های جامعه به‌ویژه طبقه روشنفکر و کارگر شهری کاملاً مسلط بود. استانداران با استفاده از ژاندارمری و شهربانی به شدت بر انتخابات نظارت می‌کردند و به‌این ترتیب عنان اختیار هر دو مجلس شورای ملی و سنا در دست شاه بود. درباریان قدیمی و کهنه‌کار، از جمله دکتر منوچهر اقبال و اسدالله علم، مجلس را به دو حزب سلطنت‌طلب تقسیم کردند. اقبال که با افتخار خود را نوکر شاه معرفی می‌کرد رهبر حزب ملیون و علم، دوست شاه و زمین‌دار بزرگ منطقه بیرجند، هدایت حزب مردم را برعهده داشت. بنابراین دو حزب نامبرده به احزاب «بله قربان» و «چشم قربان» معروف شده بودند.»

دو حزبی هم خوب نیست!

حزب ملیون که بر باد هوا رفت، نیمچه حزب «کانون مترقی» به میدان آمد که آن هم اعضایش طرفداران غرب بودند و مشهورهایشان «امیرعباس هویدا» و «حسنعلی منصور» بودند و اسم حزب را گذاشتند «**ایران نوین**» و شدند رقیب حزب مردم و همین حزب تا توانست در دهه ۴۰ شمسی در ایران تاخت و تاز کرد و قدرت را در دست داشت.

همین طوری بود و بود تا این که پهلوی دوم به این نتیجه رسید که نظام دو هم حزبی که خودش مدام و مدام و مدام جلوی داخلی ها و خارجی ها دربارهاش پُز می داد، دیگر خوب نیست و باید نظام تک حزبی مستقر شود. این طوری شد که در سال ۱۳۵۳ حزب رستاخیز آمد و دیگر مسخره کردن و نادیده گرفتن حزب دولتی ممنوع شد و همه از جمله اعضای سایر احزاب و همچنین سندیکاها باید می رفتند و عضو همین یک حزب می شدند و دبیرکلی حزب هم با امثال «**امیرعباس هویدا**» بود. پهلوی دوم هم تهدید کرده بود: «کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود و معتقد به سه اصلی که من گفتم نباشد دو راه برایش وجود دارد... او جایش یا در زندان ایران است یا اگر بخواهد فردا با کمال میل بدون اخذ حق عوارض، گذرنامه در دستش می گذاریم و به هر جایی که دلش می خواهد، برود.»

خاطره ساواک از حزب رستاخیز!

حالا این حزب رستاخیز چه جور حزبی بود؟ پهلوی دوم پس از انقلاب اسلامی در کتاب «پاسخ به تاریخ» می گوید هدفش این بود که: «همه گروه های صنعتی و اجتماعی بتوانند آزادانه در این حزب عقاید و نظریات و انتقادهای سازنده خود را ابراز دارند و از طریق این حزب همگان در اداره امور مملکتی شریک و سهیم شوند و امکان شناسایی استعدادها فراهم شود». بله! خب، مردم چه می کردند؟ هیچی، اصلا تحویل نمی گرفتند این جور حزب بازی ها را.

درباره نمایش های مضحک این به اصطلاح حزب رستاخیز می توان چند کتاب پر از اسناد و مدارک نوشت، اما بازخوانی یکی از گزارش های ساواک درباره مراسم این حزب به قدر کافی روشنگر است: «در مراسم ویژه ای که به مناسبت ۲۱ فروردین در سالن اجتماعات سازمان جوانان حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل شد، حدود ۷۰ نفر از مسئولان حزبی شرکت کردند، ولی قسمت بیشتر سالن خالی بود. قبل از حضور دبیرکل در جلسه، سرهنگ شایسته پور - مسئول کشتارگاه تهران - به یکی از مدارس جنب ساختمان سازمان مراجعه کرد و با رضایت رئیس مدرسه چندین کلاس تعطیل و دانش آموزان به سالن سازمان منتقل شدند. به محض ورود نخست وزیر به جلسه و مشاهده دانش آموزان از محیط مراسم ناراحت شد.»

منبع: خبرگزاری فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48256/هرکس-خواهد-جمع-خواهد-میرکس/48256>